



مقدمه

سخنان اخیر خانم ترزا می، نخست وزیر بریتانیا، در جمع سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مبنی بر حمایت از این کشورها در برابر تهدیدات جمهوری اسلامی ایران واکنش‌های شدیدی را در میان مقامات سیاسی ایران برانگیخت و نیز پرسش‌هایی را در زمینه اهداف و مقاصد بریتانیا در منطقه خلیج فارس با توجه به وضعیت جدید ناشی از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و پیامدهای آن و نیز کاهش توجه آمریکا به این منطقه مطرح نمود. این امر به ویژه با عنایت به پیشینه مداخلات استعماری بریتانیا در این منطقه و شناخت دقیق بریتانیا از اوضاع و ویژگی‌های این منطقه و نیز پیوندهای دیرینه اش با شیوخ کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، ایده بازگشت بریتانیا به شرق سوئز را پس از خروج آن در سال ۱۹۷۱ مطرح کرده است. اما همچنان پرسش در زمینه ماهیت اهداف و مقاصد بریتانیا در منطقه به قوت خود باقی است؛ اینکه آیا بریتانیا بیشتر با اهداف اقتصادی سعی در نزدیکی بیشتر با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج

فارس دارد یا به دنبال ایفای نقش گذشته خود در این منطقه و این بار با هدف مهار تهدیداتی است که از نیروهایی ناشی می‌شود که در پی برهم زدن نظم موجود منطقه ای هستند. باید گفت رویدادهای یمن، عراق و سوریه به اشکال مستقیم و غیرمستقیم تهدیداتی را متوجه این نظم منطقه ای ساخته است. نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به پرسش‌های فوق دارد.

تقویت حضور بریتانیا در منطقه

طی چند سال اخیر و به دنبال توجه کمتر ایالات متحده به منطقه خلیج فارس، نشانه‌هایی دال بر تحقق احتمالی ایده بازگشت بریتانیا به شرق سوئز مشاهده گردید. از جمله در سپتامبر ۲۰۱۴، مقامات در لندن خبر از قصد خود به تأسیس سه پایگاه جدید در خلیج فارس در امارات متحده عربی، عمان و بحرین دادند؛ این مقامات هدف از این اقدام را مقابله با داعش اعلام کردند. در این راستا، نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا اقدام به اعزام جت‌های جنگنده از نوع تورنادو و تایفون به پایگاه هوایی المنهاد در جنوب دبی در امارات متحده عربی نمود. همچنین، دولت بریتانیا در پی گسترش حضور خود در بندر

۲ دورنمای بازگشت بریتانیا به شرق سوئز

سخنان خود در شورای همکاری خلیج فارس صحبت از سرمایه‌گذاری در زمینه هزینه‌های دفاعی به میزان ۳/۷ میلیارد دلار طی دهه آینده به میان آورد. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود با توجه به تداوم ضعف اقتصادی بریتانیا و احتمال سیر نزولی آن در نتیجه پیامدهای خروج از اتحادیه اروپا، بریتانیا بیشتر به دنبال بازارهای تجاری در این منطقه از جهان باشد و عمدتاً اهداف اقتصادی را دنبال نماید تا اهداف نظامی، به ویژه آنکه افکار عمومی بریتانیا نیز چندان اقبالی به گسترش مداخلات نظامی برون مرزی از سوی این کشور از خود نشان نمی‌دهد.

ارزیابی موضع ایران

ایران همواره با حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه خلیج فارس مخالف بوده و اعتقاد داشته است که امنیت این منطقه باید توسط کشورهای منطقه تأمین گردد. از این رو و با توجه به پیشینه استعماری بریتانیا و سخنان خانم ترزا می که بر خلاف شواهد تاریخی و نیز تحولات جاری، ایران را تهدیدی عمده تلقی کرده است، مقامات تهران واکنش تندی به این اظهارات نشان دادند و رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز با اشاره به سوابق استعماری بریتانیا و پیامدهای منفی آن برای مردم منطقه، سیاست‌های بریتانیا در منطقه را مذمت نمودند. با توجه به گسترش دامنه تنش‌ها میان ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که ریشه در مسائل مهمی مانند جنگ داخلی در یمن، تقویت گروه‌های افراطی ضد شیعه در منطقه و به ویژه در عراق و سوریه توسط این کشورها و دامن زدن به فرقه‌گرایی، بدرفتاری مقامات سعودی با زائران ایرانی خانه خدا، اختلافات ارضی بر سر سه جزیره و غیره از یک سو و حمایت‌های بریتانیا از این

دوغم در عمان برآمد و نیز به تقویت حضور دریایی خود در جزایر کوچک پادشاهی بحرین اقدام کرد. با توجه به اینکه نیروی دریایی سلطنتی در حال حاضر فاقد ناوهای هواپیمابر می‌باشد و انتظار نمی‌رود ناو هواپیمابر کوئین الیزابت تا پیش از دهه ۲۰۲۰ وارد خدمت شود، بریتانیا بسیار وابسته به وجود این پایگاه‌ها در منطقه برای انجام هرگونه فعالیت نظامی می‌باشد. گفتنی است که تنها پایگاه نظامی فعال بریتانیا برای هدایت و انجام عملیات نظامی در منطقه خاورمیانه واقع در قبرس می‌باشد و از این رو، تأسیس پایگاه در منطقه خلیج فارس برای بریتانیا بسیار ضروری است.

ضعف اقتصادی بریتانیا

از سوی دیگر، برخی دیگر از ناظران چنین استدلال می‌کنند که بریتانیا در ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی، عمدتاً به دلیل مشکلات اقتصادی و به تبع آن کاهش هزینه‌های نظامی صورت گرفت که امکان حفظ و نگهداری نیروهای نظامی بریتانیا در منطقه را از این کشور سلب می‌کرد، از شرق سوئز خارج گردید و میدان را به آمریکا واگذار کرد که این کشور نیز با اعمال سیاست دو ستونی (تکیه بر ایران و عربستان سعودی) سعی در حفظ امنیت منطقه نمود. اینک که بریتانیا در شرایط جدید خروج از اتحادیه اروپا قرار گرفته و با توجه به دورنمای سخت‌گیری‌هایی که ممکن است از جانب این اتحادیه در راستای محدود ساختن دسترسی بریتانیا به بازارهای اروپا با وضع تعرفه‌های گمرکی سنگین اعمال شود، این کشور می‌کوشد موضع خود را در دیگر بازارها تقویت نماید و به دنبال فروش اسلحه و سایر کالاها به کشورهای منطقه خلیج فارس می‌باشد، به ویژه آنکه ترزا می در

این قابلیت برخوردار می باشد که در جهت پیشبرد سیاست های غرب در منطقه به اقدامات مؤثری دست بزند.

کشورها و فروش اسلحه به آنها که از آن برای سرکوب مردم به ویژه در یمن استفاده می شود، ایران دورنمای گسترش حضور نظامی بریتانیا در منطقه را تهدیدی برای خود و برای امنیت منطقه می داند و ابراز این سخنان از سوی رهبر یکی از کشورهای عمده اروپایی و از اعضای ۱+۵ را که انتظار می رفت در دوره پس از برجام در جهت اعتمادسازی بیشتر با ایران و آماده نمودن فضا برای همکاری های بیشتر در زمینه برقراری صلح و ثبات در منطقه گام بردارد، اقدامی غیرسازنده و مخرب ارزیابی می نماید.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد، بریتانیا قصد آن را دارد که در شرایط جدید خروج از اتحادیه اروپا جایگاه سیاسی و اقتصادی خود را در جهان تثبیت نماید و با توجه به از دست دادن نفوذ خود در اروپا در جستجوی تقویت نفوذ خود در حوزه های دیگر برآید، اما تقویت حضور نظامی بریتانیا در منطقه و ایفای نقش قبلی آن در منطقه نیازمند بنیه اقتصادی قوی می باشد که در شرایط فعلی تحقق آن برای بریتانیا غیرمحتمل می نماید. از این رو، به نظر می رسد تحرکات اخیر بریتانیا عمدتاً معطوف به جستجوی بازار برای فروش اسلحه و دیگر تولیدات صنعتی است و در کنار آن با توجه به سیاست آن در راستای همسویی با آمریکا در مبارزه علیه تروریسم دست به تحرکات نظامی محدود بزند؛ کما اینکه افزایش حضور و انجام مداخلات نظامی در منطقه علاوه بر لزوم برخورداری از بنیه اقتصادی قوی مستلزم فائق آمدن بر مخالفت های داخلی نیز می باشد. هرچند بریتانیا با توجه به آشنایی با منطقه و مهارت های دیپلماتیک خود در تعامل با رهبران و گروه های ذی نفوذ در منطقه از

